

نقش ساده‌زیستی کارگزاران حکومتی در سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکردی بر نظر امام خمینی (س)

بهروز رشیدی^۱

مسعود جعفری نژاد^۲

یحیی فوزی^۳

چکیده: در این مقاله به تأثیر دوسویه ساده‌زیستی و یا عدم ساده‌زیستی و تجمل‌پرستی در سلامت و ثبات و یا عدم سلامت و به تبع بی‌ثباتی حکومت‌ها از منظر آموزه‌های قرآنی - اسلامی و سیره و سنت نبوی و علوی و الگوبرداری از آن برای نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومتی دینی پرداخته شده است، علاوه بر الگو قرار دادن سیره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی) به‌عنوان رهبری ساده‌زیست به توصیه‌ها و زندگی عملی ایشان استناد گردیده است. امام به‌عنوان عالم و سیاست‌مداری چند بُعدی با اشراف خود بر موضوعات اسلامی و تاریخ و پیشینه اسلام و مسلمانان و آگاهی به موضوعات و با نگرشی جامعه‌شناختی به‌خوبی به تأثیر ساده‌زیستی دولت‌مردان و کارگزاران سیاسی بر سلامت و ثبات نظام حکومتی اسلامی وقوف داشتند و در این زمینه با دغدغه‌ای کاملاً مشهود به حفظ ساده‌زیستی و قناعت و رعایت بیت‌المال از سوی کارگزاران سیاسی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی حفظ، ثبات و سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید داشتند.

کلیدواژه‌ها: کارگزاران حکومتی، ساده‌زیستی در اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران، نظام سیاسی در اسلام

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.
E-mail: beh.r272@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: pegah420ma@yahoo.com

۳. استاد علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
E-mail: yahyafozi@yahoo.com

مقدمه

ساده‌زیستی و کم توجهی به امور دنیوی و پرهیز از رفاه‌طلبی و تجمل‌پرستی از بزرگ‌ترین عوامل موفقیت پیامبران در دعوت خود به سوی حق و حقیقت و اجرای قسط و عدالت اجتماعی بوده است. با نگاهی مختصر به سیره عملی و نظری امام به خوبی مشخص و محرز می‌گردد که ایشان به امر ساده‌زیستی هم خود عمل می‌کرده و هم در این باب توصیه‌ها و اندرزهایی به کارگزاران و دولت‌مردان و علما و روحانیون داشته‌اند و رویگردانی از ساده‌زیستی و تلاش مسئولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در جهت دنیاگرایی، رفاه‌طلبی و تجمل‌پرستی و فاصله گرفتن از توده مردم را از بزرگ‌ترین آفات تهدید کننده نظام جمهوری اسلامی می‌دانستند. با یک بررسی تاریخی به خوبی مشاهده خواهیم نمود که پرهیز رهبران دینی از زندگی مرفه و تجملی همواره عامل نفوذ کلام و دعوت آن‌ها در میان توده‌های مردم بوده و اگر این شیوه زندگی نبود آنان هرگز در دعوت خود موفق نمی‌شدند. اصولاً تمایل به تجمل و رفاه‌طلبی از آفات بزرگ هر جامعه و تمدنی محسوب می‌شود تا جایی که اندیشمندان و جامعه‌شناسان و فلاسفه بزرگی از علمای اسلامی همچون: ابن‌خلدون (۱۳۶۹ج؛ ۱؛ محسن ۱۳۵۸)، فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۵۶؛ موحد ۱۳۷۴؛ محسن ۱۳۵۸) و از غربی‌ها: توبین‌بی، ویل دورانت، سوروکین (۱۳۷۷) و اشیپنگلر (۱۳۶۹) در بررسی‌های تاریخی خود یکی از عوامل اصلی فروپاشی و زوال تمدن‌ها را مرحله تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی مردمان آن تمدن دانسته‌اند.

بدین‌سان محرز می‌گردد که ساده‌زیستی از عوامل بقای یک جامعه و تمدن است و برعکس رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و غوطه‌ور شدن در آسایش ممکن است نه تنها جامعه‌ای، بلکه تمدن بزرگی را به چالش بکشد. بی‌شک ساده‌زیستی به ویژه ساده‌زیستی دولت‌مردان و زمامداران که از فرهنگ مذهبی ما مسلمانان برمی‌خیزد و پیامبر گرامی اسلام و معصومین بر آن بسیار تأکید داشتند می‌تواند موجب سلامت، مشروعیت، بقاء و انسجام نظام جمهوری اسلامی ایران گردد. زیرا عامل بقای هر جامعه عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف آن است و هنگامی که تکاثر و تجمع ثروت و مواهب اجتماعی در دست عده‌ای موجب فقر و ناتوانی دیگر اقشار اجتماعی شود بی‌شک آن جامعه در معرض ناهنجاری‌های مختلف و عدم تعادل قرار گرفته و به سوی اضمحلال و فروپاشی پیش می‌رود؛ بنابراین اجرای عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد جامعه‌ای با ثبات و به دور از قشربندی اقتصادی منوط به ساده‌زیستی در آن جامعه است و در این زمینه کارگزاران حکومتی باید الگو و سرمشق مردم باشند. عدم ساده‌زیستی و

گرایش به رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی در میان دولت‌مردان موجب تسری این پدیده مخرب در سطح جامعه می‌شود و در نگرش قرآنی - اسلامی و جامعه‌شناختی عواقب آن چیزی جز تضاد، ناراضی، فقر و غنا و پدیده‌های مخرب ناشی از آن نخواهد بود.

در آموزه‌های اسلامی بر ساده‌زیستی و پرهیز از رفاه‌طلبی، تجمل‌پرستی، اسراف و تبذیر، فخرفروشی و تکبر به صورت مؤکد توصیه شده است و این توصیه‌ها به‌ویژه در مورد زمامداران و کارگزاران حکومتی صراحت بیشتری دارد. هدف از این آموزه‌ها حفظ جامعه اسلامی مبتنی بر قسط و عدل و تعالی و تکامل بشری است. کارگزاران حکومتی، زمامداران و مدیران ارشد در هر جامعه‌ای برای توده‌های مردم الگو هستند و رفتار و کردار آنان خواه ناخواه در سطوح جامعه تأثیرگذار می‌باشد. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای الگوی دینی - اسلامی بنیان نهاده شده است؛ لذا دولت‌مردان و کارگزاران آن باید در رفتار و منش و نحوه زندگی خود در این زمینه از تعالیم قرآن، سنت رسول‌الله و ائمه معصومین تبعیت نموده تا سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه مشروعیت و مقبولیت آن کماکان حفظ شود.

بر اساس آیات قرآن کریم هرگاه جامعه‌ای به سوی اسراف، رفاه‌طلبی، تبذیر، تکاثر و فخرفروشی سیر کند آن جامعه به تدریج به انواع مفسد و آفات آلوده خواهد شد و پایه‌های حکومتی و قوام آن سست شده به سمت فروپاشی پیش می‌رود. از نظر فلسفه تاریخ قرآنی و همچنین دیدگاه جامعه‌شناسان غربی و شرقی و در یک واقعیت تاریخی این ادعا به اثبات رسیده است. بنابراین حفظ ساده‌زیستی در میان دولت‌مردان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران و پرهیز از هر گونه زندگی مبتنی بر اسراف و تبذیر برای تداوم سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران لازم و ضروری است.

ساده‌زیستی در اسلام

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی که هم در قرآن توصیه شده است و هم در سیره پیامبر (ص) و صحابه آن حضرت و ائمه معصومین (ع) شاهد آن هستیم مقوله ساده‌زیستی و پرهیز از زندگی پرهزینه، مرفه و تشریفاتی است. قرآن از سویی مؤمنان و پیروان خود را به کار و تلاش و کوشش دعوت می‌کند و تلاش و کوشش را برای معیشت و تأمین درآمد و هزینه‌های زندگی عبادت می‌داند و از سوی دیگر، تشویق به قناعت، صرفه‌جویی و اجتناب از تجمل‌گرایی می‌نماید تا جایی که هدر دادن منابع و درآمدها را اسراف دانسته و آن را حرام شمرده است. اسراف نه تنها از دیدگاه قرآن حرام است، بلکه خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

المُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) و این توصیه قرآن خود حاوی یک فایده و کاربرد بسیار مهم اجتماعی است، زیرا در صورتی که مردمان از اسراف و مصرف بیش از نیاز نعمت‌های خدادادی پرهیز نمایند دسترسی همگان به منابع و امکانات مورد نیاز زندگی میسر می‌شود و آن زمان است که قشری در اجتماع از حداقل امکانات و ملزومات زندگی محروم نخواهند بود. و از سوی دیگر، فخر فروشی و فاصله طبقاتی از بین خواهد رفت و در این صورت است که می‌توان جامعه‌ای با ثبات داشته باشیم.

قرآن سرگذشت برخی از اقوام گذشته را ذکر کرده است که در اثر اسراف و تبذیر مردمان و شهروندان آن جامعه سیر انحطاط، افوال و در نهایت اضحلال را طی نموده‌اند. در واقع در فلسفه تاریخ قرآن یک قاعده به وضوح آمده است که سرنوشت جوامعی که ساده‌زیستی را از دست داده و به سمت تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی روی آورده‌اند انحطاط و یا به تعبیر قرآن هلاکت است. بنابراین از دیدگاه قرآن حفظ ساده‌زیستی و اجتناب از اسراف و تبذیر و مظاهر منفی آن، که از جمله فساد اخلاق و اختلاف طبقاتی است یک اصل اساسی به منظور سلامت و در نتیجه ثبات و استمرار جوامع است. اسلام مکتبی است که دنیا و توجه به آن را نه تنها مزموم و مردود نمی‌داند، بلکه به آن توصیه نموده است.

چنانچه می‌دانیم راز موفقیت شگرف تمدن اسلامی در ماهیت دعوت رسول خدا و پیام وحی است که ویژگی‌ها و خصایص مبتنی بر ایمان، اعتقاد، تلاش، سخت‌کوشی، ساده‌زیستی، برادری، محبت، کرامت انسانی و عدالت را در جان مردمان متفرق و بادیه‌نشین دمید. قرآن و پیامبر (ص) آن از بدو دعوت و رسالت، مردم را به تعقل و تفکر و تلاش و کوشش و پرهیزکاری و برابری و برادری و نفی ملیت و قومیت و تعصب و تساهل نسبت به دیگر ادیان و ایجاد جامعه جهانی (امت) ترغیب نموده و همین عوامل موجب گردید در این مردمان متفرق وحدت و روحیه و شجاعتی ایجاد شود که زمینه‌ساز تمدن بزرگ و جهانی اسلام گردد و این مدعای تاریخی خود نشان از آن دارد که اسلام در تمدن‌سازی و مظاهر دنیوی نقشی برجسته داشته است.

از این منظر، درمی‌یابیم که دعوت و تشویق اسلام به ساده‌زیستی نه تنها به معنای ترک دنیا و تساهل نسبت به دستاوردهای مادی زندگی نیست، بلکه برعکس توصیه به ساده‌زیستی و پرهیز از تشریفات به‌عنوان یک اصل علمی و جامعه‌شناختی در جهت حفظ همین زندگی دنیوی در این جهان و قوام و دوام جامعه است.

قرآن فرهنگ آفرین و تمدن‌ساز است. علاوه بر اینکه در جهت امور عینی و دنیوی و تجربه‌ای مردم را آموزش می‌داد و در کسب درآمدهای اقتصادی راهکار ارائه می‌داد. از سوی دیگر، در

حفظ این منابع مالی و مادی و اجتناب از هدر دادن آن و استفاده بهینه و صحیح و همراه با مساوات و عدالت و بهره‌مندی کل جامعه از آن نیز توصیه‌های جدی می‌نمود. و علاوه بر تشویق به علم و خرد و دانش، مسلمانان و مؤمنان را به کسب قدرت و اقتدار و توان و نیرومندی نیز دعوت و ترغیب می‌نمود و آن‌ها را به کسب کلیه توانمندی‌ها و استطاعت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و... فرامی‌خواند. چنانچه می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰): و هر آنچه می‌توانید از نیرو فراهم آورید. از سوی دیگر، کسب و حفظ این توانمندی و جامعه مقتدر و با ثبات را در رعایت ساده‌زیستی و دوری از اسراف و تبذیر می‌داند، زیرا بر اساس یک اصل اساسی قرآنی، زمانی که مردمان یک جامعه یا یک تمدن به سوی اسراف و تجمل و رفاه‌طلبی بیش از حد متوجه شوند در نتیجه آن، انواع فساد اخلاقی ایجاد می‌شود، آن جامعه متزلزل و نهایتاً نابود و منقرض می‌شود. اصولاً نه تنها در اسلام و قرآن به ساده‌زیستی به‌عنوان یک اصل در جهت قوام جوامع توصیه مؤکد شده است، بلکه در تمام ادیان توحیدی و الهی به این موضوع پرداخته شده است و تعالیم کتب آسمانی و سیره پیامبران الهی در حفظ ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی بوده است. چنانچه سادگی و بی‌پیرایگی فرستادگان الهی، به‌عنوان اصلی اصیل، جلوه‌ای خاص در رفتار، معاشرت و نشست و برخاست آنان دارد.

حضرت علی^(ع) در مورد ساده‌زیستی پیامبران خدا می‌فرماید: موسی^(ع) به خدا عرض کرد: پروردگارا، من به آنچه از نیکی به سویم فرستادی نیازمندم، به خدا، موسی جز نانی که آن را بخورد از خدا چیزی نخواست، زیر وی از سبزی زمین می‌خورد تا آنجا که به دلیل لاغری تن و تکیدگی گوشت بدن، رنگ آن سبزی از پوست شکم او نمایان بود. و اگر از حضرت داوود بگویم که به دست خود از لیف خرما زنبیل می‌بافت و از بهای آن، گرده‌ای نان جوین تهیه می‌کرد و می‌خورد و اگر بخواهی از عیسی بن مریم بگویم که سنگ را بالین خود می‌کرد و جامه سخت می‌پوشید و خوراک ناگوار می‌خورد و چراغش در شب، ماه و پناهگاهش در زمستان، شرق و غرب زمین بود (نهج البلاغه خطبه ۱۶۰). آن حضرت در ادامه می‌فرماید: پیامبر^(ص) روی زمین غذا می‌خورد و هم چون بندگان می‌نشست و به دست خود کفش‌اش را پینه می‌زد و جامه خود را وصله می‌کرد و بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را در کنار خود سوار می‌کرد (نهج البلاغه خطبه ۱۶۰؛ روزنامه صبح شهروند ۱۳۹۵: ۱۰).

رسول خدا^(ص) از سیره پادشاهان و نوع نشست و برخاست و رفت‌وآمد و تشریفات آن‌ها سخت بیزار بود. مردی نزد پیامبر^(ص) آمد تا با وی سخن گوید: اما چون پیامبر^(ص) را دید، دستپاچه شد و به لرزه افتاد، حضرت به او فرمود: راحت باش، من که پادشاه نیستم، من فرزند همان زخم

که گوشت خشکیده می خورد (مجلسی ۱۴۰۳ ج ۱۶: ۲۲۹؛ روزنامه صبح شهروند ۱۳۹۵: ۱۰).

گرچه ساده‌زیستی برای آحاد مردم یک جامعه ارزش محسوب می‌شود، اما برای پیشوایان و مدیران جامعه، یک ضرورت است. حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (نهج البلاغه خطبه ۲۰۹): خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا رنج فقر، مستمندی را ناراحت نکند. آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خودم و خوراک و پوشاکم مانند مردمان ناتوان عمل کنم تا اینکه فقیر به سیره فقیرانه من تاسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند (کلینی ۱۳۸۸ ج ۱: ۴۱۰).

ساده‌زیستی رهبران و زمامداران دو نتیجه مثبت و رعایت نکردن آن، دو خطر بزرگ در پی دارد. تحمل فقر و عدم طغیان ثروتمندان، دو پیامد مثبت ساده‌زیستی و عدم صبر و تحمل محرومان و گستاخی ثروتمندان، دو خطر تجمل‌گرایی رهبران است (روزنامه صبح شهروند ۱۳۹۵: ۱۰).

نگاه امام خمینی به ساده‌زیستی در صدر اسلام

امام همواره در بیانات خود در مورد توصیه به ساده‌زیستی کارگزاران حکومت، از کیفیت زندگی رهبران صدر اسلام به ویژه پیامبر^(ص) و ائمه معصومین^(ع) مثال می‌زد و آن بزرگواران را به عنوان الگو، سرمشق بر حاکمان اسلامی و دولت مردان جمهوری اسلامی قرار می‌داد. در بخشی از بیانات خود می‌گوید:

خود پیغمبر ما... هم شبانی کرده است هم از همین توده مردم، از همین توده طبقه سه بوده است... خود پیغمبر منزلش آن اتاقهایی بود که با گل درست کرده بودند. آن هم نه یک معماری،... یک اتاق گلی [بوده است]. مع ذلک پیغمبر همین طبقه سه را، همین مستضعفین را جمع کرد و جنگها را با اینها شروع کرد بر خلاف سرمایه دارها و بر خلاف قلدرها و بر خلاف شتردارها و بر خلاف قافله دارها و بر خلاف اینها. دائماً جنگ اینها با این دسته بوده (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۶: ۲۰۳-۲۰۲).

پیغمبر اکرم از همین جمعیت پایین بود، از همین توی جمعیت پا شد و قیام کرد. اصحاب او از همین مردم پایین بودند؛ از این طبقه سوم بودند. آن طبقه بالا مخالفین پیغمبر اکرم بودند. از همین توده پیدا شده است و برای همین جمعیت، همین ملت قیام کرده است و به نفع همین ملت احکام آورده است (امام خمینی

۱۳۸۹ج: ۶؛ ۳۱۴-۳۱۳؛ آژین ۱۳۷۴؛ ۲۵۶-۲۵۷).

یک فرهنگ مسلم، یک فرهنگی که یک دانه عربش وقتی می‌ایستاد جلو امپراتور، وقتی که می‌ایستاد، شمشیرش را درمی‌آورد و آن دیباجها را کنار می‌زد می‌گفت: رسول الله فرموده است که مال‌باس حریر [در بر] نکنیم، ما روی جای حریر هم نمی‌نشینیم (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۱؛ ۳۹۲-۳۹۱؛ آژین ۱۳۷۴؛ ۲۵۶-۲۵۷). خود پیغمبر را هر کس که سیره نوشته است از رسول اکرم، [نقل کرده که] وضعش در زندگی کمتر بوده است از این مردم عادی که آن وقت در مدینه زندگی می‌کردند. اطاق گلی اینها داشتند؛ توی مسجد یک اطاق گلی داشتند... شما بیاورید یک حاکمی، یک رئیسِ عرض می‌کنم کلانتری، یک کدخدای یک شهری، یک دهی بیاورید که این طوری باشد. سلوکش با ملت این باشد (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۴؛ ۲۱۹-۲۲۰).

حاکمی که از طرف خدای تبارک و تعالی تعیین شد از برای امت، آن شخصی بود که وقتی به حکومت رسید، ... آن شخصی بود که وقتی که به حکومت رسید در حال حکومتش زندگی‌اش از جمیع زندگی ... یک تکه نان جو بود که در آخر عمر مبارکشان، از قراری که گفته شده است، ... این حکومت اسلام بود. می‌فرمود که - به طوری که نقل شده است - من می‌ترسم که در یکی از حوالی مملکت من یکوقت یک گرسنه‌ای باشد، یکوقت باشد که گرسنه در کار باشد (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۲؛ ۳۵۹-۳۶۰).

ما البته نمی‌توانیم حاکمی مثل حضرت امیر پیدا کنیم که حکومت کند، که وضع زندگی‌اش آن طور باشد، ... ما توقع این را نداریم که برسیم به حاکمی که زندگی‌اش این طور باشد که وقتی شب آخری که شبی است که خوب سلطنت دارد بر ... البته ما نمی‌توانیم یک همچو حکومتی پیدا بکنیم اما می‌توانیم که یک حکومتی که دزد نباشد پیدا کنیم. یک حکومتی که مال مردم را این قدر نخورد (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۵؛ ۲۶-۲۷؛ آژین ۱۳۷۴؛ ۵۷۸-۵۸۲).

امام دربارهٔ ساده‌زیستی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) می‌فرماید:

پیغمبر وقتی که از دنیا رفت هیچ چیز نداشت. این هم آن حاکم دوم که دیگر توسعه حکومتش سرتاسر شرق را گرفته بود و تا اروپا هم رفته بود تقریباً ... ما یک همچو حاکمی، دنبال این می‌گردیم. پیدا نمی‌کنیم البته؛ خود ایشان هم

فرمود که خوب، شما طاقت ندارید این قدر لکن تقوا داشته باشید (امام خمینی
 ۱۳۸۹ج: ۴-۳۹۶-۳۹۷؛ امید: ۱۳۸۱: ۲۴۵).
 جشن برای او باید بگیرند که وقتی که احتمال این را می‌دهد که در آخر
 مملکت یک گرسنه‌ای باشد، به خودش گرسنگی می‌دهد... یک مملکتی هم
 دارد که ده مقابل مملکت ایران است. این جشن دارد (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۲: ۳۶۵؛
 امید: ۱۳۸۱: ۲۴۵).

اندرز امام خمینی به روحانیون در مورد ساده‌زیستی

امام در باب مبارزه با نفس و گرایش‌های حیوانی و شهوانی انسان به تفصیل سخن گفته‌اند.
 کتاب مبارزه با نفس یا جهاد اکبر ایشان در همین زمینه به رشته تحریر در آمده است. ایشان
 در رابطه با اینکه توجه به دنیا و دنیاپرستی موجب حجاب‌های ظلمانی در قلب و نگرش انسان
 می‌شود همواره هشدار داده‌اند:

تمام عوالم اجسام حجابهای ظلمانی می‌باشد. و اگر دنیا وسیله توجه به حق و
 رسیدن به دار آخرت، که «دارالتشریف» است، باشد، حجابهای ظلمانی به حجب
 نورانی مبدل می‌گردد... است، و هیچ‌گاه در مقام [این] برنیامده که خود را
 تهنید کند، حرکت و نیروی روحانی و معنوی در خویشتن ایجاد نماید، و
 پرده‌های سیاهی را که روی قلب او سایه افکننده کنار زند، در اسفل سافلین که
 آخرین حجب ظلمانیست قرار دارد... در صورتی که خداوند عالم بشر را در
 عالی‌ترین مرتبه و مقام آفریده است (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴۶-۴۷).

امام به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات را به‌عنوان یکی از
 ارزش‌های انقلاب مطرح و همواره ضمن توجه دادن همگان به‌ویژه روحانیون و مسئولان کشور
 به این ارزش بر پاسداری از آن و رعایت آن تذکرات مکرر فرموده‌اند:

طبع کاخ‌نشینی منافات دارد با تربیت صحیح، منافات دارد با اختراع و تصنیف و
 تألیف و زحمت. اگر در سرتاسر دنیا هم بخواهید گردش کنید و پیدا کنید، اگر
 موفق بشوید، یکی دو تا و چند تاست... آن اشخاصی که این فقه را به این غنا
 رساندند و آن اشخاصی که این فلسفه را به این غنا رساندند کاخ‌نشینان نبودند،
 کوخ‌نشینان بودند... ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ‌نشینی را از این ملت
 بزدایم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای

تبارک و تعالی می‌خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ‌نشینی به پایین بکشید، خود کاخ‌نشینی این خوی را می‌آورد، ممکن است که در بین آن‌ها هم کسی پیدا بشود لکن نادر است... آن خوی کاخ‌نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است... آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنیا خدای نخواستہ در آن‌ها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم... همیشه این کشور به واسطه این کاخ‌نشینها تباهی داشته است. این سلاطین جور که همه کاخ‌نشین تقریباً بودند، اینها به فکر مردم نمی‌توانستند باشند... کوشش کنید معنویت را تقویت کنید در بین این ملت. با معنویت است که شما می‌توانید استقلال خودتان را حفظ کنید و آزادی خودتان را حفظ کنید و به مراتب کمال برسید (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۱۷: ۳۷۴-۳۷۸).

مسأله دیگر، مسأله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمانها و ماشینها و دم و دستگاهها زیاد شود، موجب می‌شود بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند، یعنی با این بساطها نمی‌شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد. این موجب نگرانی است و واقعاً نمی‌دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب آن می‌شود که روحانیت شکست بخورد (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۱۹: ۴۲).

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۲۱: ۹۹).

انسان باید متوجه این معنا باشد، و خصوصاً این طبقه، این طبقه‌ای که می‌خواهند مردم را ارشاد کنند، اینها باید اقوالشان با اعمالشان موافق باشد، یعنی شمایی که مردم را تحذیر از دنیا می‌کنید، اگر خدای نخواستہ، خودتان توجه‌تان به دنیا باشد و حریص در دنیا، مردم دیگر از شما باور نمی‌کنند؛ بلکه انحرافات در آن‌ها پیدا می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۹ج: ۱۸: ۱۵).

امروز سعی کنید زندگیتان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید؛ برای اینکه مردم می گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می کردند، امروز که دارند و دستشان می رسد از مردم فاصله گرفتند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۷: ۴۵۲-۴۵۳).

توصیه امام خمینی به کارگزاران حکومتی در مورد ساده زیستی

امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی به همان نسبت که روحانیون را مورد اندرز قرار می داد همواره به کارگزاران حکومتی در رابطه با ساده زیستی، دوری از تجمل و رفاه زدگی توصیه می نمود. مفاد توصیه های امام عبارت از این بود که دولت مردان نظام اسلامی بایستی با سرمشق گرفتن از رهبران صدر اسلام در بطن توده عادی مردم و همراه با آن ها زیسته و به هیچ وجه خود را برتر و بالاتر از آن ها ندانند. او تشریفات و تجملات را بزرگ ترین آفت و آسیب داخلی برای نظام جمهوری اسلامی ایران می دانست و به خوبی به این واقعیت واقف و آگاه بود که دست یازی حکومت گران به دنیاگرایی و فاصله گرفتن آنان از مردم عادی باعث اختلاف طبقاتی و نهایتاً موجب نارضایتی مردم و فقدان مشروعیت و مقبولیت خواهد شد.

درواقع نگاه امام علاوه بر حفظ ارزش های اسلامی از بینشی جامعه شناختی نیز برخوردار بود. زیرا بقای هر حکومت در حفظ مساوات و عدالت اجتماعی است و چه بسیار نظام های سیاسی که در طول تاریخ به دلیل اختلاف طبقاتی و عدم توجه و حمایت دولت مردان و قدرتمندان از اقشار آسیب پذیر و فقیر جامعه طریق زوال و اضمحلال را پیموده اند.

خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید... چراکه با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی توان ارزشهای انسانی - اسلامی را حفظ کرد (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۴۷۱).

در سفارش به ساده زیستی کارگزاران نظام امام همواره دولت مردانی را که به غل و غش دنیا آلوده نشده بودند و صداقت، پاکی و سادگی خود را حفظ نموده بودند را مثال می زند به عنوان مثال، بارها از ساده زیستی رجایی و باهنر مثال می زدند و بقیه دولت مردان را دعوت می نمودند که آن ها را الگو قرار دهند و به همان سان زندگی کنند، در فرازی از سخنان خود می فرمایند:

اما رجایی - خدا رحمتش کند - و امثال اینها و باهنر و اینهایی که ما از دست دادیم، که این طور نبودند که زندگیشان جوری باشد که مبادا یک وقتی از دست ما برود؛ خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را بیشترش بکنند

زورگویی کنند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۶: ۴۴۵).

من از خصوصیات آنی که در این آقایان بود، آقای رجایی، آقای باهنر، آقای عراقی، آنی که به نظرم خیلی بزرگ است، این است که آقای رجایی یک نفر آدمی بود که دستفروشی [می‌کرد] در بازار از قراری که گفتند. من در مطالعاتی که در ایشان کردم به نظرم آمد که از حال دستفروشی‌اش تا حال ریاست جمهوری، در روح او تأثیری حاصل نشد. چه بسا اشخاصی هستند که اگر کدخدای ده بشوند، تغییر می‌کنند به واسطه ضعفی که در نفسشان هست، تحت تأثیر آن مقامی که پیدا می‌کنند واقع می‌شوند، و اشخاصی هستند که مقام تحت تأثیر آن‌هاست از باب قوت نفسی که دارند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲۰: ۱۲۴).

امام به عنوان طراح و معمار بنای اندیشه اجتماعی امت خود نه فقط همواره راه زهد و ستیز با تجمل‌پرستی را در مثنی شخصی‌اش می‌پیمود، بلکه دولت مردان، مردم و متمکین را به تعدیل زندگی و دوری از این خصلت به عنوان یک ضد ارزش فرا می‌خواند و متقابلاً فقرا و زاغه‌نشینان و مستمندان اجتماع را تکریم می‌کرد و بیش از همه روحانیون را به حفظ ساده‌زیستی فرامی‌خواند.

در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فروتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابره‌نه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القانات خاتمه می‌دهد خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲۰: ۳۴۰-۳۴۱).

و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است ... پرهیز کنند و بر حذر

باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲۰: ۳۴۲-۳۴۳). یکی از آسیب‌های انقلاب اسلامی، زراندوزی و تکاثرطلبی و قرار گرفتن سرمایه‌داران در مناصب کلیدی کشور است. امام در طول مبارزات خویش، نسبت به این طبقه حساسیت فوق‌العاده داشتند و معتقد بودند اساس اسلام معنویات است و همیشه بر ازدیاد معنویات و پرهیز از تشریفات و دنیامداری تأکید داشتند.

معنویات اساس اسلام است. سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکاهید (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۷۳).

توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسانها بازمی‌دارد، و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی انسان را به مقام انسانیت می‌رساند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۲۶۷).

این قدر دنبال این نباشید که ما خانه‌مان چه جور است. و زندگیمان چه جور است و چه. دنبال آن شرافت انسانی باشید. دنبال آن معنا باشید که شما را پیروز کرد (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۱: ۳۶۹).

و اگر بخواهند در ضیافت خدا وارد بشوند به اندازه وسع خودشان باید از دنیا اعراض کنند و قلبشان را از دنیا برگردانند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۷: ۴۹۱).

امام توصیه می‌کردند با ساده‌زیستی شیوه حکومتی اسلام به جهانیان شناسانده شود و ساده‌زیستی را زمینه‌ساز عدل و عامل بازدارنده از ظلم و فاصله طبقاتی می‌دانستند.

باید کوشش کنید تا طرز حکومت اسلام و رفتار حکام اسلامی را با ملت‌های مسلمان به اطلاع دنیا برسانید تا زمینه فراهم شود که حکومت عدل و انصاف به جای این حکومت‌های استعمارزده که اساس آن بر ظلم و چپاولی است، برقرار شود... اگر حکومت اسلام که رئیسش با رعیت یکسان و دارالحکومه‌اش مسجد روی خاک‌های گرم و سلطانش با کفش و جامه کهنه حکومت می‌کند و ملت در پناه آن با آرامش و در سایه عدل زندگانی می‌کند، روی کار آید، اساس انحرافات چپ و راستی بر باد می‌رود (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲: ۳۴۶).

اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و

از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۴۷۱). آقایان علمای اعلام و مدرسین محترم که خیر خواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبدا تشریفات و توجه به ساختمانهای متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلی حوزه‌ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۷: ۳۲۵).

امام در زندگی همواره به این امر واقف بودند که زندگی پر هزینه و آکنده از تبذیر و اسراف که در جهت رفاه‌طلبی باشد آفت بزرگی برای فرد و جامعه است. رفاه‌گرایی موجب فراموش کردن خدا و آخرت بوده و سنگدلی و لذت‌جویی را به دنبال خواهد داشت. امام در این راستا نیز الگوی کم‌نظیری بودند که در همه شرایط با رفاه‌زدگی سرستیز داشتند و خود را برده دنیا و مظاهر آن ننمودند.

نتیجه‌گیری

از منظر جامعه‌شناسی، به‌ویژه جامعه‌شناسی سیاسی و نتایج حاصل از بررسی‌های فلسفی تاریخ این نتیجه حاصل می‌شود که رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی جوامع، به‌ویژه گرایش دولت‌مردان به این سمت و سوی از مهم‌ترین عوامل زوال و مرگ تمدن‌ها یا حکومت‌ها محسوب می‌گردد. مورخین بزرگی همچون ویل دورانت و توین‌بی در بررسی‌های عمیق خود این قانونمندی تاریخی و اجتماعی را مورد تأیید قرار داده‌اند و ابن‌خلدون نیز در این زمینه قلم‌فرسایی نموده است. و این موضوع جامعه‌شناختی در عبارت: «الملک بیغی مع الکفر و لایغی مع الظلم»: حکومت ممکن است با کفر باقی بماند، ولی با ظلم هرگز به خوبی بیان شده است با تعمقی در صدر اسلام به خوبی روشن می‌شود، تا زمانی که ساده‌زیستی با الگوگیری از زندگی پیامبر (ص) بر حیات حاکمان حکمفرما بود، مجد و عظمت جهان اسلام برپا بود و انسجام اجتماعی و همبستگی امت در حد‌اعلای خود بود، لیکن با شروع حکومت عثمان این سنت پیغمبر به دست فراموشی سپرده شد، ساده‌زیستی از جامعه اسلامی رخت بریست و تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی آغاز شد عثمان اعوان و انصار و اقوام خود را از بیت‌المال غنی نمود و موجبات جامعه‌ای دو قطبی را فراهم آورد و این آغازی بود بر انحرافی بزرگ و تاریخی تا اینکه موجبات حاکمیت الیگارش‌ی بنی‌امیه را فراهم آورد.

امام خمینی بارها و بارها در گفتار و تقریرات خود هشدار داده است که خوی کوخ‌نشینی حفظ شود و تلاش شود خوی کاخ‌نشینی جایگزین نشود. زندگی مرفه و ثروت و دارایی فی‌نفسه مرموم و نکوهیده نیست و اگر جامعه‌ای به طور مساوی بتواند از حداکثر نعمت‌های خداوندی برخوردار شود چه بهتر ولی واقعیت تاریخی نشان‌دهنده آن است که رفاه زدگی و تجمع ثروت ممکن نیست مگر به قیمت فقر و بی‌بضاعتی عده‌ای دیگر، چنانچه حضرت علی^(ع) می‌فرماید: هیچ کاخی ندیدم که حقی در کنار آن ضایع نشده باشد. تجمع ثروت و امکانات در دست عده‌ای و عدم برخوردار بودن عده‌ای دیگر از مواهب و امکانات اجتماعی موجب شکاف طبقاتی و ظهور دو طبقه فقیر و غنی می‌شود و حاصل طبیعی آن تضاد و تنش اجتماعی و نهایتاً بی‌ثباتی حاکمیت و ظهور انقلاب است. از آنجاکه از مهم‌ترین ویژگی‌ها و رسالت‌های حکومت اسلامی بر اساس نص صریح قرآن برقراری قسط و عدل اجتماعی است و شرط اصلی استقرار قسط و عدالت تعدیل در برخوردار بودن از امکانات اجتماعی می‌باشد، این امر از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری امام بوده است. اصولاً برقراری قسط و عدل هدف اصلی حکومت در اسلام است که تأمین این هدف راه سعادت و تعالی بشر به‌سوی آرمان‌ها و اهداف الهی را باز می‌نماید. براین اساس، غفلت از این آموزه الهی و قرآنی و به تبع آن دغدغه امام می‌تواند آفت بزرگی برای نظام جمهوری اسلامی ایران باشد که عوارض همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال دارد و ثبات، سلامت و امنیت اجتماعی نظام را تهدید می‌نماید.

منابع

- آژین، محسن. (۱۳۷۴) *اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۹) *مقدمه*، ترجمه پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشپنگلر، اسوالد. (۱۳۶۹) *فلسفه سیاست*، ترجمه هدایت الله فروهر، تهران: نشر نظر.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- _____ . (۱۳۷۸) *جهاد اکبر*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم.
- امید، احمد. (۱۳۸۱) *شاخص‌های علوی در شخصیت امام خمینی*، تهران: انتشارات دفاع.
- *روزنامه صبح شهروند*. (یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۵) «ضرورت ساده‌زیستی مدیران جامعه فقرایی هستند که به فقر

ما تسلی می‌جویند» شماره ۸۹۰

- سوروکین، الکساندر پیتریم. (۱۳۷۷) *نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ*، ترجمه اسدالله نوروزی، رشت: حق‌شناس.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸) *اصول کافی*، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۵۶) *اخلاق ناصری*، به تصحیح و توضیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق) *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محسن، مهدی. (۱۳۵۸) *فلسفه تاریخ ابن خلدون*، ترجمه مجید مسعودی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.